

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من ميباد بدین بوم و بر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

اول نومبر ۲۰۰۹

ابراز تسلیت

پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" اطلاع حاصل نمود، که دختر جوان دوست گرانقدر ما، داکتر صاحب تیموری، بر اثر یک حادثه ترافیکی در انگلستان جان به جهان آفرین سپرده است. این دوشیزه جوان که در سال اخیر دوره تحصیل خود قرار داشت و مرام های انسانی بزرگی را هدف زندگانی خود قرار داده بود، در عین جوانی با زندگی وداع گفت. به قول داکتر تیموری روزگار شوریده در بخشوده اش رجوع روا داشت و فلک بیدادگر آن فروغ هستی را که خود داده بود، از او باز بستاند. بدین ترتیب دست دراز تقدیر بر تدبیر پدر و دختر جوان چیره گشت و آن غنچه آرزوهای ناشگفته و آن شاخه نورسته و شاداب بهار، پامال خزان گردید. این دوشیزه جوان که اینک رخ زیبا در نقاب خاک کشیده است، مصداق فرموده شیخ شیراز، حضرت سعدی، گردید که:

" ای بسا آرزو که خاک شده!"

اکنون بجای لحظه های خوشی آفرین، شیون های جانسوز به پیشواز آرزو های ناکامش نشسته اند و زندگی در خانواده اش اشک میبارد و در دریای بیکران احساسات والدین و دوستانش طوفانی از ماتم التیام نا پذیر و محسری از غصه برپاست.

پورتال ضمن اینکه خود را در ماتم آن عزیز شریک می داند، برای خویشاوندان و دوستان او، بالخصوص برای والدین آن دوشیزه ناکام، از خداوند صبر و شکیبایی بی پایان آرزو می نماید.

اداره پورتال AA-AA

داکتر ظاهر تیموری

المان، ۱ نومبر ۲۰۰۹

عبارات ذیل فاقد صنعت شعری، اما نمودار احساس پدریست که در مرگ دختر جوانش برشته تحریر در آورده است:

برباد رفته

سرودم من سرود غم شیانه
بیاد دختر بر باد رفته
بیاد دختر محبوب و معصوم
که در عین جوانی خاک گشته

* * *

سرودم من سرود غم شبانه
بیاد دختر بر باد رفته
بیاد دختر شیرین و مظلوم
که از مهر پدر محروم گشته

* * *

سرودم من سرود غم شبانه
بیاد دختر بر باد رفته
بیاد دختر شیرین تکلم
"بگور تنگ و سردی آرمیده"

* * *

سرودم من سرود غم شبانه
بیاد دختر بر باد رفته
بیاد دختر رعنا و زیبا
قد سروش کنون در خاک خفته

* * *

سرودم من سرود غم شبانه
بیاد دختر بر باد رفته
بیاد دختری کز مردن خویش
پدر را در غم و اندوه هشته

سرود مرگ

در سکوت شب
کنار جاده خلوت
که شب تاریک و غمگین بود
سرودم من سرود مرگ
سرود مرگ اندوهبار
سرود مرگ ناهنجار
سرود مرگ فرزندانم
سرود مرگ دلبندهم
که تا پایان عمر من
مرا این مرگ همراه است

* * *

درد و اندوه و غم امروزم
کی توانم که کشم بر دوشم
ای عزیزان گله از من نکنید
مرگ فرزندانم کند مدهوشم

* * *